

## پیش‌خواران

گذروظری بر یادداشت‌های روزانه هدایت‌الله بهبودی درباره نشریه کمان

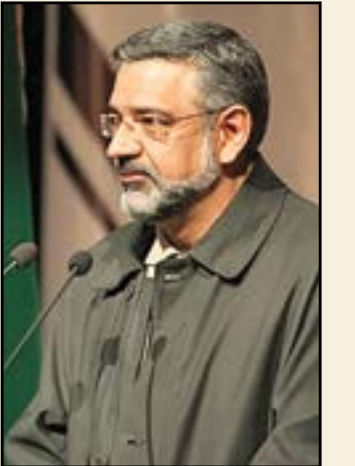
### روایتی از ۸سال زندگی بایک مجله

■ شاهد توحیدی



خویش دارد. این اثر به کوشش محبوبه عزیزی تدوین شده و انتشارات سوره مهر، آن را روانه بازار کتاب ساخته است. نویسنده یادداشت‌ها در آئین رونمایی از این کتاب و در باب تاریخچه آن به نکات بی‌آمده اشارت برده است:

«پس از دوره‌ای فعالیت در روزنامه جمهوری‌اسلامی به حوزه هنری رفتم. در آغاز فعالیت‌مان در آنجا، فصلنامه‌ای با عنوان کتاب مقاومت منتشر کردم که چهار یا پنج شماره از آن به چاپ رسید. باین‌حال، آرزوی انتشار نشریه‌ای چون «کمان» همچنان در ذهن ما باقی بود. سرانجام پس از خروج از روزنامه ایران و در سال ۱۳۷۵، امتیاز نشریه کمان را دریافت کردیم و حدود هشت سال با آن زندگی کردیم و کار را پیش بردیم. این فاصله زمانی علت خاصی نداشت اگر امکانات فراهم بود، شاید دو سال زودتر امتیاز را می‌گرفتم و همان زمان کار را آغاز می‌کردیم. واقعیت این است که برای زندگی کردن، انسان ناگزیر است معاش خود را تأمین کند و برای تولید و نوشتن نیز باید دانش و آگاهی خود را پشت سر نهاده است. این امر می‌طلبد در ارتباط باشد. ما به‌تدریج امکان رشد و تقویت بنیه علمی و فکری خود را از دست داده بودیم و احساس می‌کردم خطر تکرار، نشریه کمان را تهدید می‌کند. کارهایی که در نشریه انجام می‌شد، عمدتاً داوطلبانه بود. یک روز ما دفتر نشسته بودیم، در باز شد و دو نفر آمدند و گفتند: ما آماده‌ایم که این نشریه را در نماز جمعه یا جاهای



► هدایت‌الله بهبودی

دیگر بفروشیم! حضور اینها، عین مزه بود برای ما. الان مسعود انصاری که اینجا نشسته و درس حوزه علمیه خوانده است، به دفتر نشریه می‌آمد و نشریه را می‌گرفت و در نمازجمعه می‌فروخت و پولش را عیناً، بدون اینکه پول یکی لیوان آب را از آن بردارد، برمی‌گرداند! این یکی از راههای کمب درآمد نشریه بود و فعالیت چنین دوستانی باعث شد که نشریه کمان دوام بیابد. نمی‌دانم با چه کملماتی، باید از جای خالی احمد گودرزبانی یاد کنم که واقعا یکی از عمده‌های اصلی دست کمان بود. دختر کوچکش اینجا تشریف آورده و مادر محترم‌شان هم امیدواریم تشریف بیآورند. من می‌خواستم از همسر مرحوم گودرزبانی سؤال کنم که آیا هیچ اتفاقی افتاد که بالاخره شما برگردید به احد بگویید، خب این همه داری جان می‌کنی است که با عشق و علاقه کار می‌کنی، ولی به هر حال باید چرخ این خانه هم بچرخد. دیگر همه ما، به یک نوعی مبتلایِ اینِ قضیه بودیم. واقعا جایب خالی است. خدا رحمت کند احد عزیز را تقریباً ۲۵–۲۰ سال ما دست در گردن هم کار کردیم؛ چه در نشریه چه قبل از آن، چه در روزنامه ایران چه در دفتر ادبیات اسلامی. این نشریه چهار ستون داشت: یکی به رحمت خدا رفت، یکی دیگر به‌واسطه مسائل جسمی که دارد از تهران خارج شده، گفتم نمی‌توانم بیایم و جایش خالی است اما خیاط نشریه کمان، کوروش پارس‌نژاد بود. ایشان دو هفته یک بار، لباسی که برای نشریه دوخته بود، پرو می‌کرد! ما چون باور داشتیم فکرمان درست است و بهترین مطالب را می‌نویسیم، پس باید بهترین لباس را هم داشته باشد. کوروش با ما آشنا بود، وقتی خواستیم به اعضای تحریریه کمان بپیوندیم، قبول کرد و آمد. با کار در نشریه کمان، تجربه تازه‌ای به دست آورد و یک نگاه گرافیکی خاصی را در این نشریه پیاده کرد…»

## عاریخ

تاریخ ۰۶-۰۸-۸۵۲۳



اعضای کابینه کودتای سپتامبر ۱۳۹۹ در ایران

سه کودتای ۱۲۹۹شمسی، ۲۸مرداد ۱۳۳۲ و تیر ۱۳۵۹، واجد اهمیت محوری اند و به‌مثابه سه ایستگاه تعیین‌کننده در مسیر تحولات سیاسی ایران به شمار می‌روند. رویدادهایی که هر یک نه تنها موازنه قسدرت داخلی را دگرگون کردند؛ بلکه نسبت ایران با بازیگران خارجی را نیز به شکلی بنیادین بازتعریف نمودند. این سه مقطع، الگویی تکرارشونده از مداخله خارجی در بستر ضعف‌های داخلی را نمایان می‌سازند

گذشته‌شد پس از آن، به‌ظاهر کار به‌دست ایرانی‌ها افتاد و سردار همان‌یون جایگزین استاروسلسکی شد!اما کنترل واقعی قراقخته‌به‌عهده ژنرال پرونساید کنتل اسمایت بود.از دل همین ماجراجران صاخان «هن‌پوش» در قزاقخانه قزوین، برای برافروختن آتش یک کودتا مورد شناسایی قرار گرفت. در اسین مرحله، بازوی نظامی درست تحت اشراف انگلیس قرار داشت و حال باید بازوی سیاسی در نوبت‌اتحاد رجال مملکت، جوچرین نقشه کودتای انگلیسی را کامل می‌کرد. جلسات کمیته در محله زرگنده، مصداق همین بازو بود و افرادی همانند سپهدار در آن رفت‌وآمد داشتند. خروجی آن‌هم این شد که کابینه سپهدار کمی قبل از ورود قزاق‌های قزوین به تهران منحل و سپس هزار و ۵۰۰ نفر از آنان تحت حمایت اسمایت و بدون اندک مقاومتی وارد پایتخت شدند!سیدضیاءالدین (سر‌دیووزیرنامه رد و تحت‌الحمايه انگلیس)، رهبری سیاسی و رضاخان رهبری نظامی را بر عهده داشت. کادول در این زمان برای واشینگتن گزارش کرد که کودتای انگلیسی با حمایت نورپورفسر ژنرال پرونساید) و پرداخت ۵تومان به هر قزاق آزوب اسمایت‌اتفاق افتاد. بدین ترتیب، بریتانیا دوست توانست از خلأقدرت و شکاف میان رجال ایرانی استفاده کند و مقصود خود را عملی سازد.

■ **مقایسه کودتاهای امریکایی در ایران معاصر**
در بررسی کودتای ۱۲۹۹ متوجه شدیم که انگلستان به‌خوبی از فرصت‌ها جهت حفاظت از منافع خود در منطقه غرب آسیا استفاده کرد. اما انگار داستان کودتا برای خارجیان تمامی نداشت و هر جا که شرایط مساعد پیش می‌رفت، باید دگرگونی صورت می‌گرفت. در این نوبت، دیگر امریکایی‌تازه به‌عرصه استعمارگران اضافه‌شده‌بود و منطقه غرب آسیا پراش حکم ثروتی می‌پایان داشت. به‌ویژه آنکه از آسیه‌های جنگ جهانی پیش می‌رفت، باید دگرگونی صورت می‌تواند کدخدای جهان باشد. البته حضور امریکار در ایران، حتی در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار نیز مشاهده می‌شود اما داستان از آنجا قبل توجه می‌شود که انگلیس به کمک امریکار در پی ایجاد یک حلقه امنیتی برای منافع خویش است و این حلقه چیزی جز ایران نیست. این نکته حتی در دکترین ریچارد نیکسون نیز وجود داشت و بر واگذاری مسئولیت امنیت منطقه به متحدان محلی امریکا، یا چیزی شبیه به ژاندارم تأکید می‌کرد. به این دلیل، نقش امریکار در طراحی و اجرای کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ باز بود و پس از آن در ایران، درندگی این کشور آشکارا عیان شد. چنانکه بعد از انقلاب و ماجرای تسخیر لانه جاسوسی، در کودتای نوزده‌نقش اول را بازی می‌کرد.

در انقبای این نقش اول، امریکا بیشتر موج سواری بر زخم‌های جامعه را مد نظر داشت؛ زخم‌هایی که در دوران مصدق فزونی داشت و این کشور از آن استفاده می‌کرد. چنان‌که در آن زمان چندپارگی هتل باستاروسلسکی (سلطنت‌طلب)، او را تحریک کرد تا کلوزه را عزل کند. گام کلیدی بعدی، عزل استاروسلسکی در مهر ۱۲۹۹ بود. مجدداً به‌استناد به گزارش کادول توضیح می‌دهد، انگلیس بر کلیشه‌ملی‌گرای مشیرالدوله فشار آورد تا استاروسلسکی را بر کنار کند اما نخست‌وزیر به مقاومت کرد. فشارهای انگلیس بیشتر و در نهایت مشیرالدوله ناچار به استعفا شد؛ جایگزین آن دوست انگلیسی‌ها، سپهدار گام ۱۴۰ افسر روسی را به اتهام اخلاص عزل کرد!اتهام پولشویی برای استاروسلسکی، فرمانده روسی قزاق‌ها گران بود اما سخت‌تر از آن، شکست وی در گیلان برابر بلشویک‌ها در سال ۱۹۲۰ بود که ابراز انگلیس برای حذف وی به‌شمار می‌فت. از این‌روی، نورمن (سفیر انگلیس) به احمد شاه اولتیماتوم داد، اگر استاروسلسکی کنار نرود، واریز ماهانه ۲۰هزار پوندی به قزاقخانه حذف نیروی نظامی ما خارج خواهند شد. به‌قول کادول این «عروسک خیمه‌سبازی» هم، ناچار به تسلیم و این فرمانده کنار

در اداره کشور نقش مهمی داشت؛ در ارتش نیز به‌رغم پاکسازی و وابستگی به پهلوی و زندانی شدن برخی از تیمساران، باز بنده ارتش به انقلاب اسلامی گرایش داشت و از این لحاظ بازوی نظامی قوی برای کودتا وجود نداشت. حتی آشکار شدن توطئه کودتا از سوی یکی از خلبانان ارتش انجام گرفت و همین، حاکی از وجود یک سرمایه‌اجتماعی قوی جهت خنثی‌سازی این برنامه‌ها بود. در آن مقطع، این امتیاز مهم حتی سبب شد مسائل اقتصادی و مشکلات ناشی از فروش نفت به چشم نیاید؛ هر چند که این معضلات مستعمره مراد ۱۳۳۲، برای مصدق بحران بود زیرا دولت وی پس از ملی کردن صنعت نفت، با تحریم بریتانیا در فروش نفت روبه‌رو شد. دولت‌هم تلاش کرد با شعار «اقتصاد بدون نفت» کشور را از وابستگی به درآمد نفتی رهایی دهد اما این سیاست منجر به تورم فراینده، کاهش عواید دولتی و فشار معیشتی بر مردم شد. نویسدگان تاریخی مانند رجبی در کتاب «اقتصاد

مرکز کلیدی و براندازی نظام نوپای اسلامی بود. با این

حال و برخلاف گذشته، حاکمیت قوی تحت رهبری امام‌خیمینی‌اتحادی‌بیسابقه میان نیروهای سیاسی، نظامی و مردم انقلابی و هویشاری به‌موقع، این نقشه را در نظفه خفه کرد. کشف به‌موقع کودتا در ۱۸ تیر و سرکوب سریع آن، نشان داد وحدت و قوی بودن یک‌نظام چگونه می‌تواند توطئه‌های خارجی را تاگام بگذارد. به این ترتیب، توصیف این تجربه تاریخی، عمق تأکید رهبر انقلاب بر وحدت و اقتدار جمهوری اسلامی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

■ **زمینه‌های تاریخی کودتای ۱۲۹۹ شمسی**

در بررسی رویدادهای تاریخی ایران در اوایل قرن بیستم، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی (۲۲فوریه ۱۹۲۱ میلادی)، به‌عنوان نقطه عطفی در سیاست استعماری بریتانیا بر جسته می‌شود. این کودتا که منجر به قدرت‌گیری رضاخان و سیدضیاءالدین طباطبایی شد؛ نه‌تنها نتیجه مداخله مستقیم انگلستان بود، بلکه نشان‌دهنده به‌پرورداری هوشمندانه از ضعف‌های داخلی ایران، از جمله بی‌ثباتی حاکمیت و شکاف‌های نخبگان سیاسی بود. بر اساس دو مقاله کلیدی از فصلنامه مطالعات تاریخی (سال ۱۸، شماره ۶۸، بهار ۱۳۹۹)، نوشته سیدحسام‌الدین شجاعی کیسری با عنوان «حذف استاروسلسکی و زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹» و محمدقلی مجید، با عنوان «وضع سیاسی ایران از قرارداد ۱۹۱۹ تا کودتای سوم اسفند به روایت دیپلمات‌های امریکایی»، می‌توان نقش محوری انگلیس را در این تحولات ردیابی کرد. این مقالات که بر پایه اسناد، مانند گزارش‌های وزارت خارجه امریکا (از جمله جان کادول، وزیرمختار امریکا در تهران) و کتب تاریخی استوار هستند، تأکید دارند؛ کودتا جایگزینی برای شکست دیپلماتیک انگلیس پس از قرارداد ۱۹۱۹ بود.

اما تجربه تاریخی، چه توصیفی از زمینه‌های این کودتای انگلیسی می‌کند؟ پژوهشگران معتقدند ریشه این‌رخداد، انگلیسی‌ها را از جنگ جهانی اول (۱۲۹۷–۱۲۹۳ شمسی) از سوی نیروهای روسی و انگلیسی‌باز می‌گردد؛ هر چند که پیش از این هم روسیه و انگلیس در زمان انقلاب مشروطیت، مداخلات نظامی و سیاسی داشتند. با این حال، دیگر ایران رسماً در قرارداد‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵، به‌عنوان رابری‌امردی میان منافع شمالی روسیه و جنوبی انگلیس تقسیم شده بود. البته در این میان، موقعیت روسیه تزاری در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دچار سقوط و موقعیت آنان در ایران تضعیف شد. همین موضوع، فرصتی طلایی برای انگلیس فراهم آورد، تا نفوذ خویش را گسترش دهد. شجاعی کیسری توضیح می‌دهد که انگلیس برای مقابله با تهدید بلشویسم، حفظ منابع نفتی جنوب و عراق، تسلط بر خلیج‌فارس و حفاظت از مستعمره هند، نیاز به کنترل کامل ایران داشت. از سوی دیگر، حطلی بزرگ در کشور و بی‌ثباتی سیاسی، زمینه را برای قرارداد ۱۹۱۹ مهیا می‌کرد. مقاله مجد نیز با استناد به



اعضای اخصا کمک‌معماران کودتای نوزده

تحریم نفت» توصیف می‌کنند که چگونه تحریم‌ها جامعه را از هم گسیخت و مخالفان مصدق را بسیج کرد.

■ **خرده‌فرهنگ‌ها در کودتای ۱۳۲۸ و ۱۳۵۹**
این دو کودتا هرچند در بسترهای اجتماعی متفاوتی رخ داد اما بررسی هزینه‌های هنگفت خارجی تا بازی خرده‌فرهنگ‌های داخلی نشان می‌دهد که توطئه‌ها چگونه شکل می‌گیرند و چرا یکی موفق می‌شود و دیگری شکست می‌خورد! در ابتدا، باید آن دور از منظر هزینه و طراحی خارجی بررسی کرد. هر دو کودتا با نقش آفرینی مستقیم قدرت‌های بیرونی همراه بودند اما ابعاد و پیچیدگی آنها تفاوت داشت. بر اساس روایت‌های کتاب «مصدق و کودتا» نوشته مارک گازپورسکی و مالکوم برن، سازمان‌های سیا و ام‌ای ۶ با بودجه‌ای در حدود یک میلیون دلار، دولت ملی دکتر محمد مصدق را هدف قرار دادند. ملی‌شدن صنعت نفت، منافع غرب را به چالش کشیده بود و کودتا پاسخی مستقیم به این تهدید تلقی می‌شد. طرح در دو مرحله اجرا شد؛ تلاش نافرجام ۲۵مرداد و سپس عملیات موفق ۲۸مرداد با محوریت فضل‌الله زاهدی و حمایت دربار، در مقابل، کودتای نوزده که با نام «نقاب» نیز شناخته می‌شود؛ در شرایط پس از تسخیر سفارت امریکا شکست عملیات طبس طراحی شد. در طرح این کودتا، ایالات‌متحده با حمایت از شاپور بختیار و همراهی برخی بازیگران منطقه‌ای از جمله عراق، آن را به اجرا درآورد. شبکه‌ای متشکل از صدها نظامی وابسته به پهلوی، برنامه به پرواز در آوردن دهها جنگنده، بمباران جماران و اشغال صداوسیما را در دستور کار قرار داشتند. گستره تجهیزات و هماهنگی‌های پیش‌بینی‌شده نشان می‌داد، اینبار سناریو صرفاً یک جابه‌جایی سیاسی نیست و تاشی برای ضربه نظامی مستقیم به ساختار تازه تأسیس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، افشای طرح از سوی یکی از خلبانان و انسجام شورای انقلاب و سپاه پاسداران، کودتا را پیش از ورود به فاز عملیاتی متوقف کرد.

اما آنچه این دو رخداد را از سطح طراحی خارجی فراتر می‌برد، نقش خرده‌فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی در میدان عمل است. خرده‌فرهنگ ناسیونال‌لیبرال، برای ضربه نظامی مستقیم به ساختار تازه تأسیس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، افشای طرح از سوی یکی از خلبانان و انسجام شورای انقلاب و سپاه پاسداران، کودتا را پیش از ورود به فاز عملیاتی متوقف کرد. اما آنچه این دو رخداد را از سطح طراحی خارجی فراتر می‌برد، نقش خرده‌فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی در میدان عمل است. خرده‌فرهنگ ناسیونال‌لیبرال، برای ضربه نظامی مستقیم به ساختار تازه تأسیس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، افشای طرح از سوی یکی از خلبانان و انسجام شورای انقلاب و سپاه پاسداران، کودتا را پیش از ورود به فاز عملیاتی متوقف کرد. اما آنچه این دو رخداد را از سطح طراحی خارجی فراتر می‌برد، نقش خرده‌فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی در میدان عمل است. خرده‌فرهنگ ناسیونال‌لیبرال، برای ضربه نظامی مستقیم به ساختار تازه تأسیس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، افشای طرح از سوی یکی از خلبانان و انسجام شورای انقلاب و سپاه پاسداران، کودتا را پیش از ورود به فاز عملیاتی متوقف کرد. اما آنچه این دو رخداد را از سطح طراحی خارجی فراتر می‌برد، نقش خرده‌فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی در میدان عمل است. خرده‌فرهنگ ناسیونال‌لیبرال، برای ضربه نظامی مستقیم به ساختار تازه تأسیس جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. با این حال، افشای طرح از سوی یکی از خلبانان و انسجام شورای انقلاب و سپاه پاسداران، کودتا را پیش از ورود به فاز عملیاتی متوقف کرد.

در طی کودتای ۲۸مرداد، خرده‌فرهنگ لمینیسیم یا لارال و اوباش به‌عنوان بازوی خیابانی این حرکت عمل کرد. چه‌رهایی چون شمعان جعفری در حمایت مالی دربار، خیابان را به صحنه فشار بدل می‌ساختند. در نوزه چنین چیزی نبود؛ چرا که طرح پیش از فعال شدن شبکه‌های میدانی فروپاشید. در نهایت، آخرین جریان مهم، خرده‌فرهنگ سلطنت‌طلب بود که در هر دو کودتا نقش مخالف را داشتند؛ با این تفاوت که در ۱۳۳۲، شخاص در یکسوی معادله قرار داشت اما در ۱۳۵۹ این جریان در نخستین بیرون از ساخت رسمی قدرت عمل می‌کرد. همین تفاوت جایگاه و وزن سیاسی آنها را در کودتای نوزده کاهش داد.

■ **کلام آخر**

به این ترتیب، پس از توصیف تاریخی کودتاهای معاصر باید گفت؛ دشمن در خلأ یک حاکمیت مقتدر و عدم وحدت مردم می‌تواند به نفع خود کودتا انجام دهد؛ حال می‌خواهد این دگرگونی سقوط یک دولت باشد یا سقوط یک نظام. بر این اساس در این دوره نیز امریکا و اسرائیل به شکل متمرکز، به‌دنبال راهکارهایی هستند تا مردم به دور پرچم «الله» حلقه زنند یا شکافی میان نیروهای مسلح ایجاد کنند. به‌ویژه آن که تحلیل‌گران اسرائیلی در توییت‌های خود به‌صراحت می‌گویند، پلیس و بسیج هم‌چنان متعهدانه پای نظام جان می‌دهند و این مانعی برای به‌ثمر رسیدن شورش‌های خیابانی است. پس بنابر تجربه کودتای نوزده، جریان اقتشاشی سالیان گذشته و شبه‌کودتای دی اس‌مال، می‌توان احتمال داد که دشمن به‌دنبال قلع جردن نیروهای متعهد مسلح است؛ یا بعد از آن بتواند هسته‌های مسلح خود را در درون کشور فعال کند. اما این موضوع باسلاح نامرئی اتحاد ملت، قابلیت خنثی‌سازی توطئه دشمن را دارد؛ چه با حمایت مردمی قوی، بازوی نظامی کشور احساس امنیت خواهد کرد.